



گفت‌وگو با حسن خادمی، کارگردان مستند «قاضی و مرگ»

مرگ در زندگی این مرد، بازنشسته نمی‌شود



ورزش

سرژیک تیموریان در گفت و گو با قدس:

زندگی حرفه ای را مدیون یورگن کلوپ هستم

هوادار واقعی پرسپولیس بی گمان از کالدرون و تیمش حمایت خواهد کرد

عرب: نه استعفا دادم نه وزیر را دیده‌ام!



امروز قهرمان فوتسال ایران به دنبال انتقام از ناگویا است

حمله مس به طلای دوم آسیا

به یاد نخستین روزهای بازگشت آزادگان به وطن

«ناامیدی» اسیر شماست

شنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۸
۱۵ خرداد ۱۴۴۰
سال سی و دوم
شماره ۹۰۶۰
ZENDegi@QUDSONLINE.IR



خیلی دور، خیلی نزدیک



رفقه توسلی: به نوزاد نقلی نگاه می‌کنم... به او که چند ساعتی است پاهایش را گذاشته به این جهان... به حال عجیبی که دارد و نمی‌تواند بیان کند... به رویارویی‌اش با عالمی بی‌اندازه تازه.

روبه‌روی اتاقی پُر از تخت و نوزاد در انتهای طبقه سوم بیمارستان می‌ایستم و به تولد زُل می‌زنم... به قصه‌ای که هر کدامان پیوسته با آن در ارتباطیم و حواسمان نیست... با لیوانی چای که چند پر گل محمدی در آن غلطان است، جاگیر می‌شوم توی میل. ارتباط تصویری‌ام با بلاد فرنگ که قطع می‌شود و از حال مادر و نوزاد که خبردار می‌شوم، بی سروصدا می‌روم توی اینستا. خدا می‌داند چه قدر دوستش دارم... مثل پستی‌هاست برایم... خصوصاً وقتی که دوستانه بزند روی دوشم و بگوید: پیام جدید آوردم بانو.

پیغام را که باز می‌کنم ناگهان گل و بلبل و شمع و عود را یکجا تقدیم می‌کنند انگار، عزیزی از خطه امام رضا(ع) پدیدام کرده و چند خطی اظهار لطف نوشته برایم... با حالی زیبا و نگاهی تر تاپ می‌کنم: السلام علیک یا علی بن موسی‌الرضا... و می‌زنم روی ارسال.

جای داغ را بعد بی‌هوا هورت می‌کنم، اما نمی‌سوزم و خیلی بی‌ربط حواسم می‌رود تا گلدانی که از وقت آب داندش گذشته.

در ادامه به خانوم خواننده بزرگوار می‌گویم: خوش قلبی‌تان را کاش قدر بدانم... می‌دانید آخر من تازگی‌ها کشف کرده‌ام مبتلایم به سندروم تولد... حالا با ابراز لطف شما، دوباره به دنیا آمدم... وضعیتی که بلد نیستم تفسیرش کنم... شده‌ام مثل نوزاد رفیق جانم؛ مثل او که دنیا را روشن‌تر از قبل می‌بیند.

اما می‌نویسم و پاک می‌کنم و دوباره می‌نویسم و باز پاک می‌کنم.

به جایش پا می‌شوم میوه‌ها را خالی می‌کنم توی سبکت و لیوانی آب می‌گیرم توی گلدان فیروزه‌ای تا در این روز پُسر تولد، او هم یک بار دیگر ریشه‌هایش که خنک شد و خاکش که رطوبت گرفت، احساسی زاده شدن پیدا کنند.

بعدالتحریر: دل دل کردن را ببینایم دور... دلپذیرترین هدیه به هر کسی این است که با مهربانی‌مان او را از سر متولد کنیم!

باور می‌کنید؟

افسون‌فرنگی‌ها!



به این روزها که کشورمان یکی از ۱۰ کشور برتر داروساز در جهان به حساب می‌آید، نگاه نکنید. آن روزهایی که «ابن سینا»، «زکریای رازی» و خیلی از دانشمندان دیگرمان در عرصه پزشکی و داروسازی یکه‌تازی می‌کردند را هم بگذارید کنار! می‌خواهیم برایتان از روزهایی بگویم که عطراهای دوره‌گرد و دعاووسان حکم طبیب و داروساز را در کشورمان داشتند. یعنی دقیقاً چند صبحایی پس از پایان عمر پادشاهان صفوی.

تا زمان صفویه داروسازی در کشورمان رونق داشت، اما پیدا شدن سر و کله قاجارها، رقیب بر گشت و به لطف پادشاهان سبیل از بناگوش دررفته قاجاری، هرچه پزشکی و صنعت داروسازی در کشورمان رسته بود، یکشبه پنبه شد. چند صباح پس از روی کار آمدن قاجارها، عطراها هم‌ردیف طبیبان شدند و از روی کتاب‌های معدودی که از زمان صفویه به جا مانده بود، برای بیماران دارو تجویز می‌کردند. این تازه روی خوش ماجرا بود! چندی بعد کار به جایی رسید که نسل پزشکان و داروسازان ور افتاد و عطراهای دوره‌گرد تبدیل به داروساز شدند و دعاووسان هم برای بیماران نسخه‌درمان می‌پیچیدند. یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که در این دوره گریبانگیر مردم شده بود، ورود خارجی‌ها به ایران بود. این تازه روی خوش مسیاح یا مستشار نظامی وارد ایران می‌شدند، انواع و اقسام مرضیه‌های ناشناخته را وارد کشورمان می‌کردند که طبیب‌های سنتی ایران هیچ شناختی از آن‌ها نداشتند.

با تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ شمسی اوضاع کمی فرق کرد. «موسو فکنی» ایتالیایی شد معلم داروسازی هفت شاگرد رشته داروسازی. همان‌جا بیماران را معاینه می‌کردند و دارو می‌دادند. لابد کمبود امکانات موجب شد ۳۰ سال طول بکشد تا تعداد شاگردان داروسازی دارالفنون به ۳۳ نفر برسد. دکتر «ژوزف تولوزان» فرانسوی که طبیب مخصوص ناصرالدین شاه به حساب می‌آمد، معلم‌های داروسازی دارالفنون را از فرنگ به ایران می‌آورد، اما بعدها شاگردان ایرانی خودشان استاد شدند.

سابقه ساخت نخستین کارگاه داروسازی در کشورمان برمی‌گردد به زمانی که «موسو لوکونت» یکی از معلمان داروسازی دارالفنون در تکیه دولت آزمایشگاه شیمی تأسیس کرد و همراه با شاگردان ایرانی‌اش به داروسازی مشغول شد. نخستین داروخانه ایران اما حکایت دیگری دارد. پس از موسو فکنی، دکتر «شورین» آلمانی و «مولیون» فرانسوی شدند استاد داروسازی دارالفنون. همین دو نفر که طبیب و داروساز مخصوص ناصرالدین شاه هم به حساب می‌آمدند بعدها برای پر کردن اوقات فراغتشان، اولین داروخانه ایران را در خیابان ناصرخسرو تأسیس کردند. دوشین داروخانه را دکتر مولیون در خیابان لاله‌زار تأسیس کرد و پس از آن انواع و اقسام داروخانه‌ها در نقاط مختلف تهران ساخته شدند. با این همه اما تنها مشترکان داروخانه‌ها، طبیبان خارجی و داخلی بودند، چون ایرانی‌ها معتقد بودند این داروهای شیمیایی افسون‌فرنگی‌هاست! شاید در آن سال‌ها که داروخانه‌ها به مکانی برای دست انداختن طبیبان و سره سر گذاشتن با دانشجویان داروسازی مدرسه دارالفنون تبدیل شده بودند، هیچ فکرش را هم نمی‌کرد حدود یک قرن بعد، ایران تبدیل به یکی از ۱۰ کشور برتر در زمینه داروسازی شود!

۵ هزار نفر نخست

مردم ایران برای بازگشت رزمندگان آزاده ۱۰ سال صبر کرده بودند. حالا هم به نامه‌ها و قول و قرارهای رژیم صدام اعتماد چندانی نداشتند و شاید خیلی‌ها باورشان نمی‌شد چند روز پس از رسیدن نامه دیکتاتور، روند آزادسازی اسرا واقعاً آغاز شود. اخیر سراسری رادیو اما در روز ۲۴ مرداد، بیانیه دولت عراق برای آزادسازی انبوه اسرا را خواند و خبر از آزادی روزانه هزار اسیر را داد. «مجید شاه‌حسینی» که در آن سال معاون کارشناس ارشد امور آزادگان سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس به حساب می‌آید درباره نخستین روز بازگشت آزادگان گفته است: «روز ۲۶ مرداد۱۳۶۹، هیئت ایرانی در منطقه‌ای به نام «پل خیر ناصر خان» پس از قصرشیرین محل استقرار نیروهای صلیب سرخ و سازمان حضور یافت. پس از انجام تشریفات اداری با ۳۵ دستگاه اتوبوس از مرز خسروی وارد منطقه «منظره» عراق شدیم که محل اسکان آزادگان بود...».

سخنان این مسئول ایرانی از نخستین روز ماجرا با وجود همه شیرینی و خاطره‌انگیز بودنش، اما تلخی‌هایی هم دارد. هیئت ایرانی ساعت ۱۲ ظهر به منظره می‌رسند، یک هزار آزاده را در چادرهایی چند تکه، زیر آفتاب سوزان، تشنه و گرسازه در انتظار مبادله می‌بینند. شواهد و رفتار بعضی‌ها با آزادگان نشان می‌دهد، اگرچه رژیم صدام به آزادی اسرا تن داده، اما هنوز هم به فکر کارشکنی و آزار و شکنجه آن‌ها تا دقیقه ۹۰ است.

۵ جالب و عجیب

بی‌دلیل نیست که اسمش را مبادله بزرگ اسیران گذاشته‌اند. یعنی در طول یک ماه (۲۶ شهریور ۶۹) بیشتر از ۳۷ هزار آزاده به کشور برمی‌گردند. نکته جالب اینکه فقط ۱۸ هزار نفر از این آزادگان نامشان در فهرست صلیب سرخ بود و خانواده‌ها‌هشان مطمئن بودند که آن‌ها در عراق اسیرند. یعنی نزدیک به ۲۰ هزار آزاده دیگری، مفقودالثر تلقی شده و تا آن روز رژیم صدام وجود و حضور آن‌ها در اردوگاه‌های عراقی را از همه پنهان کرده بود! به نظر می‌رسید این گروه از آزادگان شرایط روحی و جسمی سخت‌تری را تحمل کرده بودند، چون در طول دوران اسارت همیشه تهدید می‌شدند که هیچ‌کس از زنده بودن شما خبری ندارد؛ بنابراین کشتن و سر به نیست کردنشان برای رژیم صدام کار آسانی است. اگر بازم به آمار و ارقام مربوط به آن دوره علاقه‌مند هستید، می‌شود این نکته جالب را هم از قول دکتر «علی خاجی» که خودش از آزادگان و نویسنده کتاب «شرح قصی» است بخوانید: «... از ۴۰ هزار اسیری که در دوران دفاع مقدس دادیم، حدود ۲۴ هزار نفر آن‌ها در سال ۶۷ اسیر شده‌اند! این نکته هم جالب و عجیب است که نزدیک به ۲۰ هزار نفر از این‌ها در تیرماه سال ۶۷ به اسارت درآمده‌اند! یعنی ۲۰ هزار اسیر ما که می‌شود نصف همه اسرا، در یک ماه از جنگ هشت ساله اسیر شده‌اند... و بازم عجیب‌تر اینکه در روز ۲۱ تیرماه، ۹ هزار و ۶۴۹ اسیر یعنی حدود ۲۵ درصد اسرای جنگ را از ما گرفته‌اند!

مجاز آباد

بر شما واجب است



به من فرمودند که بر تو متعین است. خدمت ایشان رفتم و گفتم: آقا! من قبول نمی‌کنم. من دیگر این دفعه به میدان نمی‌آیم. گفتند: بر شما متعین است. یعنی واجب، واجب کفایی نیست؛ متعیناً بر شما واجب است؛ واجب عینی است.»

مقاومت یعنی این



انگلیس پس از گذشت حدود پنج هفته، دو روز پیش نفتکش ایرانی را که توسط دولت جبل‌الطرق توقیف شده بود، آزاد کرد. در همین راستا، کاربران فضای مجازی هشتک‌های #فتکش و #گرس را در توئیتر داغ کردند. در ادامه نمونه‌هایی از پیام‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید: «فتکش ایرانی آزاد شد. نفتکش انگلیسی هنوز توقیف است. با آمریکا مذاکره نکنیم و جنگ هم نشد. مقاومتی که حرفشو می‌زنیم یعنی همین... آقایون در جریان باشند که مذاکرات برد برد یعنی نفتکش رو بگیري و بهشون ندی تازه از ترس نفتکش تو رو هم آزاد کنند».

فقط زبان زور می‌فهمند



عزت‌الله ضرغامی در صفحه اینستاگرامش نوشت: «چندی پیش یکی از بزرگان با استاد به ایه «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّئَلَّا يَعْلَمَ» یادکر او یخشی؛ (طه-۲۴) فرموده بود، همان‌طور که خداوند به موسی و هارون می‌گوید با فرعون به زبان «الین» و نرم سخن بگویند، پس ما هم باید با طرف‌های مذاکره مثل آمریکا همین‌گونه سخن بگوییم و از درشت‌گویی پیر بهیزیم! اشکال این مطابقت قرآنی با آمریکایی امروز، در این است که بحث ما متفاوت از ارشاد و هدایت است. آنان ثابت کرده‌اند که جز زبان زور، زبان دیگری را به رسمیت نمی‌شناسند.»

خبر

ایران در ساخت پهپاد جزو چند کشور برجسته دنیا

پهر: رئیس سازمان صنایع دریایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ایران را در ساخت پهپاد، جزو چند کشور برجسته دنیا با برد بلند و مقاوم دانست. امیر درباردار رستگاری، در سخنرانی پیش از خطبه نماز جمعه در مصلای اعظم امام خمینی(ره) تبریز با گرامیداشت سالروز صنعت دفاعی در ۳۱ مرداد ابراز داشت: امروز صنایع دفاعی جمهوری اسلامی ایران در اوج اقتدار و آمادگی است و شیرینی این اقتدار زمانی در وجود همه گوارا خواهد بود که نیم‌نگاهی به گذشته صنایع دفاعی داشته باشیم؛ وی با اشاره به پیشرفت‌های چشمگیر قدرت دفاعی ایران افزود: با وجود تمام شیطنت‌های دشمن، نه تنها خللی بر اراده فرزندان شما در صنایع دفاعی ایجاد نشده بلکه هر روز شاهد رشد و توسعه و شکوفایی وزارت دفاع و نیروهای مسلح هستیم.

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۸

۱۲ | ۱۵ ذی الحجه ۱۴۴۰ | ۱۷ آگوست ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۹۰۴ |

گزارش

در نشست «درست نویسی زبان فارسی در فضای مجازی» چه گذشت؟

آیا باید برای زبان فارسی اشک بریزیم؟



فرهنگ و هنر / آرش شفعاei: پنجشنبه نشست نقد و اندیشه با موضوع «درست نویسی زبان فارسی در فضای مجازی» با حضور سه نفر از صاحبانظران این حوزه برگزار شد و درباره این موضوع که برای نجات زبان فارسی از آسیب‌ها چه باید کرد، همفکری شد.

در این نشست سیدجمال هادیان، رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات گفت: معمولاً کشگران فضای مجازی که بیشتر جوانان هستند، ترجیح می‌دهند به سرعت و با لحنی خودمانی، عامیانه و دلنشین بنویسند؛ بنابراین گاهی واژه‌ها را تخفیف می‌دهند و مثلاً «فکر» را «فک»، «صبح» را «صب» و «بله» را «بلعه» می‌نویسند. همه این اشکالات در فضای مجازی احتمالاً از ۳۰۰ واژه با عبارت تجاوز نمی‌کند و به نظر آن‌ها خیلی خسارت نرسانست، بلکه گونه‌ای از زبان عامیانه یا محدوده خاصی به شمار می‌روند که می‌توان در قالب یک کتاب یا مرجع تدوین و برای اطلاع کاربران و آیندگان ثبت و ضبط شد.

رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات افزود: هر وقت به فرهنگستان یا یکی از انجمن‌ها گفتم، جواب دادند که وظیفه ما پژوهش و کار علمی است. در واقع آن‌ها خانه‌های ساخت‌و‌اند و در آن را قفل کرده‌اند و اصلاً از آن بیرون نمی‌آیند تا بین کسب وکارهای جدید و جوان‌هایی که در این زمینه ایده دارند، پیوندی ایجاد کنند. اگر چه دغدغه‌مند هستند، اما می‌گویند چرا با جوان‌ها قرارداد ببندیم ما با استادان درجه یک دانشگاه‌ها قرارداد می‌بندیم که البته آنان هم جایگاه خودشان را دارند اما باید بدانیم استفاده از ظرفیت‌های فناورانه نیز یک کار علمی است که نباید از آن غافل شویم.

سیدبایبانیکی، نویسنده و شاعر نیز یکی از مشکلات موجود در حوزه خط زبان فارسی در فضای مجازی را نداشتن مرجع عنوان کرد و افزود: اکنون در حوزه‌هایی چون کتاب و دین مرجع داریم، اما در جهان مجازی احساس می‌کنیم که مرجع نداریم و معلوم نیست به چه جایی باید رجوع کنیم که حرفش درست باشد، بنابراین ما نیاز به مرجع داریم که این انقطاع رفع شود و جهان مجازی نیز صاحب مرجع شود.

هومن عباسپور سر ویراستار نشر چشمه در ادامه برگزاری بیست و ششمین نشست نقد و اندیشه با تأکید بر تفاوت شکسته نویسی و گفتاری نویسی، توضیح داد: گفتاری نویسی یعنی همان زبانی که با آن می‌نویسیم، سخن می‌گوییم و با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم. با زبان گفتاری فکر می‌کنیم و خواب می‌بینیم اما قرار نیست جای زبان معیار را بگیرد و نمی‌توان تصور کرد که قراردادهای حقوقی، پاسخ سؤال‌های امتحانی و نامه‌نگاری‌های اداری نیز به زبان گفتاری باشد.

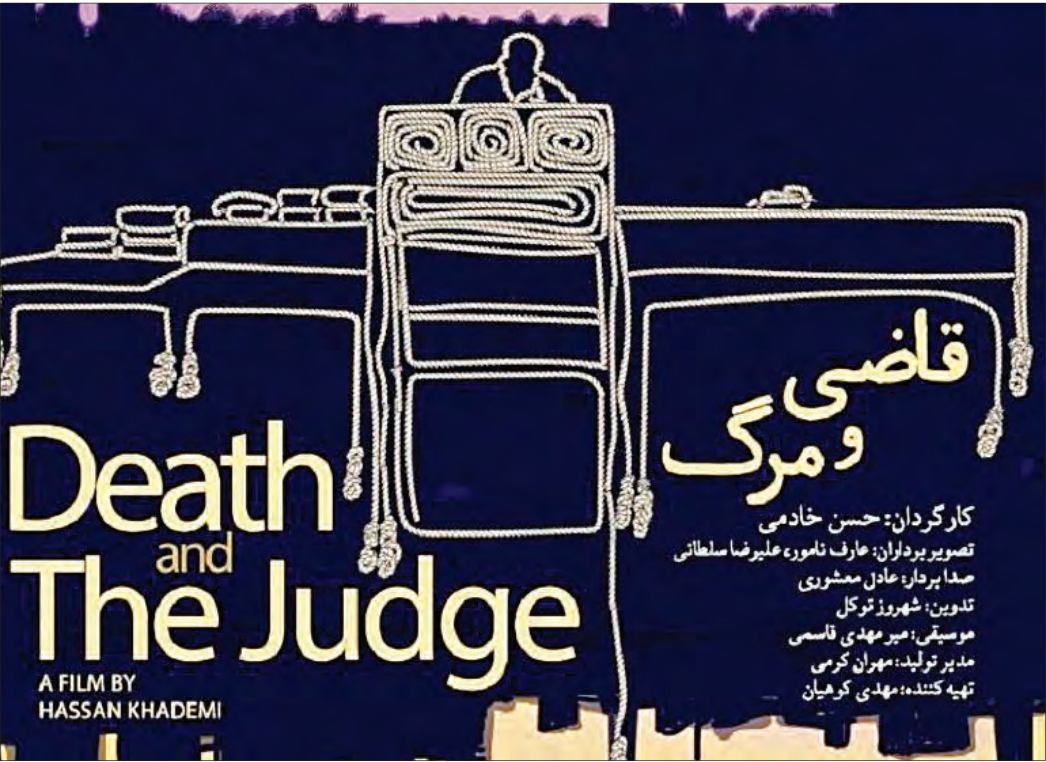
وی با اشاره به اینکه حد گفتاری نویسی در فضای مجازی براساس حدی است که مخاطب می‌خواهد، افزود: توقع کاربران از نویسنده این است که احتج بر بند و کلمات دشوار به کار نبرد. بر همین اساس گفتاری نویسی قواعدی دارد تا خواننده آن را درست بفهمد. بر همین اساس گفتاری نویسی را دست کم نگیریم و نمی‌شود با آن جنگید؛ چرا که انتخاب یک نسل است.

وی با اشاره به پرورده شدن نسلی که حفظ کردن شعر، یاد گرفتن لغت و خواندن روزنامه یا کتاب را فضیلت نمی‌داند و دنبال حرف‌های مینیمالیستی و راحت و زودگذر است، افزود: به عبارت دیگر اکنون وارد دوره مینیمالیسم زبانی شده‌ایم. یعنی از مجموع کلماتی که در طیف معنایی یک کلمه هستند، فقط یکی را برگزینیم. چنان که از مباحث مطرح شده در این نشست مشخص است، دو دیدگاه درباره تأثیر فضای مجازی بر زبان وجود دارد، یکی دیدگاهی که معتقد است زبان فارسی جاندارتر و پرخون‌تر از آن است که تغییرات زبانی طبیعی آن را از پا ببندازد و دیگر نگاهی که معتقد است باید سوزگوار از دست رفتن زبان باشیم؛ اختلاف دیدگاهی که برای اهل ادبیات آشناست و نمونه روشن آن اختلاف نظر میان استادان نگران ادبیات همچون ابوالحسن نجفی و استادان زبان‌شناس جدید نظیر محمدرضا باطنی در سال‌های گذشته است. شاید در این میان توجه به تجربه‌های تاریخی زبان فارسی بتواند ما را برای اصلاح وضعیت فعلی کمک کند. چنان که می‌دانیم، در طول تاریخ «شعر فارسی» پس از دوره غزنویان و به دنبال تحولات تاریخی آن دوران، از دربار بیرون آمد و اندک به اندک به میان مردم آمد و مخاطبان خود را از عالم مردم جست‌وجو کرد؛ به عکس «نثر فارسی» که به انحصار دربارها و دبیران درآمد و نتیجه این شد که شعر فارسی روز به روز شکوفاتر و به زبان مردم نزدیک‌تر و نثر فارسی روز به روز ثقیل‌تر و فنی‌تر شد و کلمات و اصطلاحات عربی، ترکی و مغولی در آن بیشتر و بیشتر شدند. به عبارت دیگر منحصر کردن زبان به عنوان وسیله‌ای در دست نخبگان و جدا کردنش از زندگی عادی و روزمره مردم موجب می‌شود که زبان تحیف‌تر و ضعیف‌تر شود و از امکان زیست واقعی و بازسازی مردم محروم شود. از طرف دیگر ادبیات خلاق نیز به کمک زبان آمده است. در ۱۰۰ سال اخیر رسانه‌ها و ادبیات داستانی موجب شده‌اند نثر فارسی به طبیعت زبانی خود بازگردد و از نثر متکلف و پیچیده‌ای که یادگار دربارهاست، رها شود. فرهنگستان و نهادهای دیگر نیز می‌توانند به تقویت بنیه‌های زبان کمک کنند.

در این سال‌ها واژه‌های زیادی ساخته شده و در زبان مردم وارد شده است که تا ۱۵۱۰ سال قبل از آن‌ها نشانی نبود. یارانه، رایانه، پیامک، تلفن همراه و... نمونه‌هایی از این واژه‌هاست. برای تقویت زبان فارسی، نخست باید آن را به چشم یک موجود زنده، پویا و درحال تغییر دائمی دید و نگران تغییرات آن در میان مخاطبان و مردم عادی نبود. نباید فکر کرد مردم منتظر نگرانی نخبگان می‌مانند و نیازهای سریع ارتباطی و زبانی خود را رفع نخواهند کرد، نخبگان در این حوزه بهتر است به جای نگرانی‌های وسواسی برای زبان سعی کنند با ساخت واژگان، و ترکیبات و توصیه و ترویج ادبیات خلاق، زبان را در طول زمان بیمه کنند.

گفت‌وگو با حسن خادمی، کارگردان مستند «قاضی و مرگ»

مرگ در زندگی این مرد، بازنشسته نمی‌شود



بود که ببانش در پایان‌بندی به آن شکل، حکم ضربه نهایی به مخاطب را دارد. از طرفی وقتی بحث فیلم مستند در ایران است یعنی شما درگیر گرفتن مجوزهای بسیار هستید و باید برای هرکدام کلسی پیگیری کنید و بپرخید، اما نمی‌گوییم که به خاطر این سختی‌ها به سراغ صحنه دادگاه و غیره نرفتم. نوع نمایش، انتخاب خود ما بود. به خاطر همان ضربه نهایی و نشان دادن بخشیدن یک قاتل که به گفته خود قاضی هم حکم قصاصش محرز بود.

♦ **بر خورد قوه قضائیه با مستند شما چطور بود؟**

واقعیت این است که همکاری خوبی با ما داشتند. ساخت این مستند پنج سال طول کشید و در این مدت ما با مدیران متعددی مواجه شدیم که برخورد‌های مختلفی داشتند، اما در مجموع همکاری قوه قضائیه خیلی خوب بود. تأثیر یا اعمال نظری هم وجود نداشت اگر نگرانی بود از سمت خود من به عنوان کارگردان بود که نگران حساسیت سوزهای بومد که به سراغش رفته بودم و پیش‌بینی می‌کردم که شاید با استانداردهای ایران نتوانم اثرم را نمایش بدهم. این نگرانی شاید موجب خودسانسوری ما سازندگان نباشد، اما در این فیلم حتی یک صحنه هم کات نشد و کسی از ما چنین درخواستی نداشت.

♦ **صحنه‌هایی در فیلم وجود دارند که نمایششان در فیلم‌های ایرانی کم‌سابقه است و می‌تواند برای مخاطب آزاردهنده باشد، در نمایشتان تعدمی وجود داشت؟**



«هنر و تجربه» یکی از بهترین اتفاقات سینمای ایران به خصوص برای سینمای مستند است، چون سینمای مستند مخاطب خاص خودش را دارد و این مخاطب هیچ جایی برایش دیده نشده بود تا بتواند فیلمش را ببیند

آن را فراموش کند، خودش می‌رود و در کفن می‌خوابد تا همجوار مرگ را به خودش یادآوری کند. با نمایش این صحنه من می‌خواستم چنین چیزی را در ذهن مخاطب متبادر کنم و این همجوار و سایه مرگی که بر سر زندگی اوست را نشان بدهم.

♦ **قاضی در فیلم به عنوان کسی که بیشترین حکم قصاص را داده، قاتل پدرش را می‌بخشد، این بخش به نوعی مهم‌ترین چالش فیلم است، اما مخاطب با یک متن در پایان فیلم از این بخش مطلع می‌شود، انتخاب این شکل بیان تعدمی بود؟**

ما می‌خواستیم مخاطب به شکل خیلی غیرمترقبه از این موضوع مطلع شود. همه مطمئن بودند قاضی که حکم ۴ هزار قصاص را داده است مگر ممکن است قاتل پدرش را ببخشد؟! تصور ما این

ا فرهنگ و هنر / فاطمه عامل نیک | مستند «قاضی و مرگ» ساخته حسن خادمی در یازدهمین جشنواره سینما حقیقت به نمایش درآمد و موفق شد جایزه آیفیک را از آن خود کند. «قاضی و مرگ» به زندگی قاضی عزیزمحمدی یکی از معروف‌ترین و پرکارترین قاضی‌های جنایی ایران می‌پردازد و در چهار سال زندگی کاری و خصوصی، او را زیرنظر دارد. قاضی عزیز محمدی از معروف‌ترین قاضی‌های جنایی ایران است و ما با این مستند، جریان مرگ را به شکل هر روزه در زندگی این فرد می‌بینیم؛ چرا که او دائماً با پرونده‌های جنایی و قتل در ارتباط است. وی همچنین در زندگی شخصی‌اش تجربه‌های دشواری از درگذشت عزیزانش داشته و مرگ به نوعی همزاد زندگی اوست. حسن خادمی، کارگردان «قاضی و مرگ» سال‌ها در زمینه آسیب‌های اجتماعی به عنوان یک پژوهشگر فعالیت کرده و در طی این تلاش چند ساله به سوزه این مستند رسیده و حدود پنج سال برای ساختش زمان گذاشته است. در ادامه گفت‌وگوی ما را با او در مورد مستند «قاضی و مرگ» می‌خوانید:

♦ **چطور شد به سراغ ساخت مستند درباره زندگی یک قاضی رفتید؟**

من ۱۰ سال آسیب‌شناسی اجتماعی کار کردم به همین خاطر برای پیگیری سوزه‌هایم در حوزه آسیب‌های اجتماعی و جامعه‌شناسی، در دادگاه‌ها رفت‌وآمدهای زیادی داشتم و آدم‌های زیادی را دیدم. آشنایی من با آقای عزیزمحمدی در همین رفت‌وآمد به دادگاه‌ها شکل گرفت. آقای عزیزمحمدی از جهاتی خیلی خاص هستند. ۲۵ سال است که در این حرفه مشغول به فعالیت هستند و همه این مسائل در کنار هم ایشان را متفاوت می‌کند. ارتباط گرفتن با وی هم راحت بود و از پیشنهاد ما استقبال کرد.

♦ **در این اثر ما با روایتی درباره قانون مواجهیم یا سرگذشت یک قاضی را دنبال می‌کنیم؟**

در زمان شروع کار تمام نگرانی و توجه من به این بود که اثرمان درگیر حاشیه‌نشده یا خط قرمزهایی را رد نکند. قصاص به عنوان یک حکم قانونی در ایران است و ما در این فیلم نمی‌خواستیم به این موضوع یا مجازات اعدام بپردازیم، بلکه نگاهمان به زندگی مردی بود که به نوعی در طول دوران‌های مختلف زندگی شخصی و حرفه‌ای‌اش با موضوع مرگ درهم تنیده شده بود. فیلم من یک فیلم شخصی درباره زندگی شخصی و روانی یک قاضی است، قاضی‌ای که متفاوت است و نسبت به قضات دیگر ویژگی‌های متفاوتی دارد و ما در این مستند، یک روایت شخصی از آن را بیان می‌کنیم. هرچند که منتقدین عنوان کرده‌اند که فیلم من درباره قانون است، اما خود من این اثر را یک روایت شخصی از زندگی یک قاضی می‌دانم. خیلی حذر داشتم که بخواهم درباره قانون اظهارنظر کنم.

تولیزبون

بازسازی

شکنجه‌گاه‌های ساواک در یک سریال



فارس: تهیه‌کننده سریال «فوذ» از آغاز تولیدفصل دوم این سریال از اوایل شهریور ماه خبر داد. «محسن علی اکبری» تهیه‌کننده سریال «فوذ» به کارگردانی جواد شمقدری درباره آغاز تولید این سریال گفت: این روزها مراحل پیش تولید را پشت سر می‌گذاریم و اوایل شهریورماه فصل دو «فوذ» را کلید خواهیم زد. وی ادامه داد: در نخستین سکانس‌هایی که مقابل دوربین خواهند رفت، می‌توانم به فلاش‌بک‌ها در تهران اشاره کنم که در مقطع قبل از انقلاب است و تعقیب و گریز ساواک که به دنبال مهدی وحاج آقا موسوی (امین اسکندریان و جلیل فراجا) هستند را نشان می‌دهد. این تهیه‌کننده درباره بازیگران جدیدی که قرار است به این سریال اضافه شوند، گفت: بازیگران جدید خارجی به زودی به ما خواهند پیوست که مربوط به سکانس‌های سایت یکپان است و به احتمال فراوان این بازیگران از کشورهای آلمان و فرانسه انتخاب خواهند شد. علی اکبری با اشاره به لوکیشن‌های جدیدی که در این سریال ساخته خواهد شد، بیان داشت: شکنجه‌گاه ساواک را در محوطه دبیرستان البرز قدیم در تهران خواهیم ساخت و برای تصویربرداری سکانس‌های خانه شریف‌زاده، یکی از شخصیت‌های سریال باید به ساختمان‌ها و ویلاهای جدید اطراف شمال تهران برویم. «فوذ» در سه فاز پیش‌بینی شده، فاز یک از پیش از انقلاب شروع می‌شود و تا تسخیر لانه جاسوسی را روایت می‌کند. در این سری نیز داستان از تسخیر لانه جاسوسی آغاز شد و تا پایان جنگ تحمیلی ادامه دارد.

ادبیات

نشست نقد کتاب «سیر عشق» نوشته آلن دوباتن برگزار شد

چرا زندگی با من سخت است؟

خدیجه زمانیان: روز گذشته کتاب پر مخاطب «سیر عشق» نوشته آلن دوباتن با ترجمه زهرا باختری در کافه کتاب آفتاب مشهد نقد و بررسی شد. کتاب «سیر عشق» آلن دو باتن با اقبال مخاطبان روبه‌رو شد و در مدت سه سال توانست به چاپ بیست و ششم برسد.

شاید تا به حال بیشتر به آثاری برخورد کرده باشیم که در وصف عشق و یا بعد از بین رفتن عشق، آن‌را توصیف می‌کنند اما آلن دوباتن در کتاب «سیر عشق» که کندوکاو در چگونگی بقا و پیشرفت عشق در دراز مدت می‌پردازد. ربیع و کرسستن ازدواج می‌کنند و با اتفاقات روزمره زندگی واقعی روبه‌رو می‌شوند. دکتر محمود مقدسی مترجم و پژوهشگر، «سیر عشق» آلن دو باتن را کتابی خواندنی عنوان کرد.

به بیان این مترجم تلاش آلن دو باتن همواره بر این بوده است که تجربه‌های شخصی‌اش را با اندیشمندان بزرگ درهم آمیزد و فلسفه آن در زندگی

روزمهره مردم جا دهد. خود او نام «فلسفه روزمره» را بر آن می‌گذارد. این فلسفه، رمان را به اثری نیمه فلسفی و به نگاهی روانکوانه تبدیل می‌کند. نکته دیگر سبختی است که نویسنده در ابتدای کتاب مطرح می‌کند. آلن دوباتن در ابتدای کتاب اذعان می‌کند که «این داستان عاشقانه‌ای واقعی است». مقدسی ادامه داد: دو باتن در این کتاب به این پرسش پاسخ می‌دهد که در روابط عاشقانه چه بر سر عشق می‌آید و اگر عشق بخواهد باقی بماند، چطور این اتفاق می‌افتد.

این مترجم افزود: کتاب «سیر عشق» بیشتر از هر چیز به واقعیت زندگی معمولی می‌پردازد. زندگی که ما آن را در فیلم و کتاب کمتر می‌خوانیم و می‌بینیم و بیشتر خودمان با آن مواجه و درگیریم.

این پژوهشگر در پایان گفت: کتاب‌هایی نظیر «سیر عشق» تجربه زندگی را در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد و این شخص‌اش را با اندیشمندان بزرگ درهم آمیزد و فلسفه آن در زندگی

موسیقی

پایان جشنواره «دف نوای رحمت» با بزرگداشت محمد جلیل عندلیبی



ما در حال روایت زندگی یک قاضی هستیم که به مدت ۲۵ سال با صحنه‌های خشن و آزاردهنده مواجه بوده است. خون و خشونت دیده و با قتل و قاتل همراه بوده است. من می‌خواستم به مخاطب بگویم تو یک ساعت می‌توانی این چنین صحنه‌هایی را تحمل کنی؟ این شخص دارد این صحنه‌ها را به مدت ۲۵ سال تحمل می‌کند. البته که یک ساعت هم نیست شاید پنج دقیقه از فیلم قدری آزاردهنده باشد، اما من می‌خواستم ذهن مخاطب درگیر شود و بتواند شرایط او را درک کند؛ بنابراین تصاویر دلخراش فیلم را بهمد انتخاب کردم و می‌خواستم مخاطب با آزاردهندگی مواجه شود. ما می‌توانستیم این صحنه‌ها را تار یا کدر کنیم یا به صورت شطرنجی نمایش دهیم اما می‌خواستیم مخاطب با واقعیت زندگی این قاضی هر چند برای چند دقیقه گذرا مواجه شود.

♦ **به نظر شما پرداختن به سوزه‌های اینچنینی و ورود به پرونده‌های قضایی و بیان داستان آن‌ها چقدر مؤثر است؟**
فیلمساز رامحل ارائه نمی‌دهد. او فقط نمایش‌دهنده موضوعات است. رامحل وظیفه جامعه‌شناس‌ها، روان‌شناس‌ها و حقوقدان‌هاست، فیلمساز باید مسئله‌ای را در معرض دید قرار دهد. حالا چه در سینمای مستند و چه در سینمای داستانی با سوزه‌های اجتماعی. به اعتقاد من حتی ژانر کمدی هم وظیفه‌اش همین نمایش دادن یک مسئله اجتماعی به زبان طنز است. این وظیفه فیلمساز است و تأثیرگذاری‌اش هم این می‌تواند باشد که وقتی مخاطب اثر را می‌بیند، ذهنش با موضوع درگیر می‌شود، بعد مطبوعات درباره‌اش می‌نویسند و بعد آسیب‌شناس‌ها و کارشناسان در موردش رامحل ارائه می‌دهند. پس از آن نقش دولت و قانون گزار است که شرایط ایجاد چنین موضوعاتی را مدیریت کنند.فیلمساز تنها می‌تواند به یک موضوع دامن بزند و آن را به بحث بگذارد، شاید از منظر خودش راهکاری هم ارائه بدهد، اما کار اصلی رسانه، نمایش و بازتاب است.

♦ **از ارکان فیلم در گروه هنر و تجربه راضی هستید؟**

فیلم اکنون در آمریکا و کانادا پخش شده و به جشنواره‌هایی هم راه یافته است. با این همه زمانی که شنیدم فیلم در ایران ارکان می‌شود بسیار خوشحال شدم. تساهل خوبی در مورد این فیلم صورت گرفته است. به نظر من «هنر و تجربه» یکی از بهترین اتفاقات سینمای ایران به خصوص برای سینمای مستند است چون سینمای مستند مخاطب خاص خودش را دارد و این مخاطب هیچ جایی برایش دیده نشده بود تا بتواند فیلمش را ببیند. «هنر و تجربه» بهترین جای کار برای عرضه این گونه فیلم‌هاست. هم باید از مسئولانش تشکر کرد و هم امیدوار بود که این چراغ خاموش نشود. نمی‌دانم چه مسائلی می‌تواند به ادامه حیات این گروه کمک کند. شاید در کنار مسئولان، مخاطبان هم باید به همان اندازه برای ادامه کار این گروه دغدغه داشته باشند.

فرهنگ و هنر:
نهمین جشنواره بین‌المللی «دف نوای رحمت» با معرفی بر گردیدگان و آیین بزرگداشت محمدجلیل عندلیبی، درپور در پردیس سینمایی نهمن به کار خود پایان داد. امین مرادی، مدیرجشنواره و رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی استان کردستان با اعلام این خبر اظهار کرد: نهمین جشنواره بین‌المللی «دف نوای رحمت» با حضور دف نوازانی از ۲۰ استان کشور و گروه‌هایی از عراق، هند و پاکستان در دو بخش رقابتی و جنبی از ۲۲ مرداد ماه با اجتماع دف نوازان ایرانی تحت عنوان «آوای دوست» در محل پارک استقلال سندرچ آغاز شد. وی افزود: مراسم افتتاحیه جشنواره نیز چهارشنبه (۲۳ مرداد) با اجرای مشترک گروه دف نوازی و موسیقی، سماع تبریز و ماهور سسندج و تقدیر از هیئت انتخاب دوره مقدماتی جشنواره و اجرای گروه مولودی خوانی به سرپرستی استاد سید علاءالدین یاسینی آغاز به کار کرد و در دو روز برگزاری که با استقبال پرشور مردمی هم مواجه بود، تکنوازان در دو بخش آقایان و خانم‌ها در دو رده سنی نوجوان و بزرگسال در کنار رقابت گروه‌های دف‌نوازی و مولودی خوانی در دو نوبت صبح و بعد ازظهر کار خود را دنبال کردند. در آیین اختتامیه این جشنواره ضمن معرفی و اهدای لوح‌ها و تندیس‌های بر گردیدگان در بخش‌های تکنوازی، گروه‌نوازی و مولودی خوانی، گروه موسیقی «خوش نوابان» به سرپرستی پیمان سلیم‌فر، از شاگردان استاد محمدجلیل عندلیبی قطعاتی از آثار این استاد را اجرا کرد.



است، فردی آماده ازدواج است که بتواند فهرستی از نقص‌های خودش تهیه کند و به این سؤال پاسخ دهد: «چرا زندگی با من سخت است؟»

نرسیده‌ایم. دکتر ثاقبی با بیان اینکه بر اساس این کتاب تفاهم مطلق بین دو نفر غیرممکن است، گفت: دوباتن معتقد

خستگی و گاهی با شادی همراه است. همه چیز واقعی جلو می‌رود و دو نفر وارد سن دیگری می‌شوند که حال خواسته‌های متفاوتی از یکدیگر دارند، اما این رابطه همچنان ادامه دارد و این اتفاق به شاخه‌های زندگی اضافه می‌شوند.

این روانپزشک با تحلیل فصل «آسانه ازدواج» این کتاب، به توضیح مهارت‌هایی پرداخت که مخاطب با خواندن آن‌ها متوجه می‌شود آدم‌گی ازدواج دارد یا هنوز به این آدم‌گی نرسیده است.

وی گفت: براساس این کتاب و نکاتی که در آن مطرح می‌شود، مهم‌ترین اصلی که مشخص می‌کند افراد آدم‌گی تشکیل زندگی دارند این است که بپذیرند آدم‌های کاملی نیستند و با شناخت نواقضشان دست به انتخاب همس می‌زنند، به عقیده دوباتن تا زمانی که ما فکر می‌شوند، این بچه‌دار شدن مانند ازدواج و تشکیل زندگی مشترک